دمکراسی و روشنفکران در کاریکاتورهای ناجی العلی

الیوسفی، ماهر

مترجم : رسولی، حجت

 حقوق بشر.از جمله مسایلی که در کاریکاتورهای ناجی العلی به آن توجه‏ فراوان شده فقدان و تضییع‏ حقوق بشر در جامعهء انسانی است. وی درصدد است که با طرح خطوط و اشکال هندسی گوناگون قوانینی را به عنوان بدیهیات و مسلمات حقوق‏ بشر مطرح سازد.

او قوانین را ترسیم می‏کند،یا به‏ عبارت دیگر آنچنان به قوانین نزدیک‏ می‏شود که از آنها برای نمایاندن‏ عمق فجایع و مصائب کمک بگیرد. او به آنها استدلال می‏کند و بی‏درنگ‏ از لابلای همین خطوط و اشکال،به‏ طرح روشنی از قوانین دست‏ می‏یابد.از این رو،کاریکاتورهای‏ ناجی العلی،همواره یادآور قوانین‏ حاکم بر اشیاء و عموما قوانین بشری‏ است.به عقیدهء من این امر از روانشناسی خاص ناجی سرچشمه‏ می‏گیرد،زیرا خشم را نشانهء انفجار و فریاد را نشانهء مخالفت و اراده را نشانهء عصیان برمی‏شمارد.وی با خطوط پیچیدهء کاریکاتورهایش نوعی‏ روانی و سادگی را به کمک تعلیقات‏ نیش‏دارش بنمایش می‏گذارد و این‏ خود اشارهء ضمنی او است به گشودن‏ گره‏هایی که بر اثر محدودیتهای‏ روزانه بر زندگی انسان تحمیل شده و نیز رهایی از این قید و بندها. زندگی‏ای که قوانین از آن رخت‏ بربسته و موجهایی از نابسامانیهای‏ اجتماعی آن را فراگرفته است.همانا این شرایط قوانین بدیهی را در ورای‏ نقابی اسرارآمیز پنهان کرده است، قوانینی که ناجی العلی موفقتر از دیگران آنها را نمایان می‏سازد.

این ویژگیها موجب گردیده است‏ که ناجی العلی در ضمن‏ کاریکاتورهایی که دربارهء قانون‏ می‏آفریند بروشنی حوادث پنهانی را تصویر کند.وی در هر یک از کاریکاتورهای خود،قانونی را در اثبات حقی مطرح می‏سازد.در واقع‏ بروز مسایل قانونی در خطوط کاریکاتورهای ناجی العلی اثبات‏ کنندهء این حقوق است.وی هرگاه به‏ موضوعی ناشی از ضعف انسان‏ می‏پردازد،به طرز جالب توجهی‏ قانونی را در جبران این ضعف مطرح‏ نموده و راه قانونمند جبران آن را به‏ تصویر می‏کشد.به عبارتی‏ کاریکاتورهای ناجی العلی نمایانگر صحنه‏ای دیگر است،تا با طرح‏ قوانین،در لابلای خطوط نقاشی، از شدت انفعال رهایی یابد.وی در عبارت زیر این گرایش را بروشنی‏ بیان می‏کند:«هرگاه قانونی دربارهء انسانی گرفتار درد و رنج و مصیبت، نادیده انگاشته شود،شخصیت‏ حقوقی او نیز از بین خواهد رفت».

برای مثال،وی در یکی از کاریکاتورهایش ضمن ترتیب دادن‏ گفتگویی میان مردی با همسرش،به‏ حوادثی که پیش آمده در چند قسمت‏ اشاره می‏کند:

مرد به همسرش«فاطمه» می‏گوید:اردوگاهها را بمباران‏ کرده‏اند.و همسرش جواب‏ می‏دهد:مسأله‏ای نیست.

-می‏گوید:کودکانمان را مجروح‏ کردند،جواب می‏دهد:مسأله‏ای‏ نیست.

-می‏گوید:پیرانمان را کشتند. جواب می‏دهد:مسأله‏ای نیست.

-می‏گوید:خانه‏هایمان را ویران‏ کردند.جواب می‏دهد:مسأله‏ای‏ نیست.

و سرانجام می‏گوید:می‏خواهند ما را خلع سلاح کنند،و همسرش‏ فریاد برمی‏آورد:زهی خیال باطل. در آخرین صحنه«حنظله»را در برابر صفحه‏ای خالی و سفید ترسیم‏ می‏کند که در جستجوی قانون حقی‏ است که بر اثر اعمال باطل زیر پا گذاشته شده از نظر او هر کاری قابل‏ تحمل است.مگر گرفتن سلاح زیرا ناجی بازپس گرفتن حقوق غصب و پایمال شده را بدان وسیله امکان‏پذیر می‏داند.و این خود به مثابهء قانون‏ است.

این تصاویر دربردارندهء قوانین به مثابهء اصول مسلم و قابل قبولی است‏ که ناجی آنها را مطرح می‏کند. تصویرهایی که به نحوی بسیار عمیق‏ و ریشه‏ای به مسایلی می‏پردازند که‏ حاکم آنها را ایجاد می‏کند و محکوم‏ نمی‏پذیرد و قانونی که ظالم،آن را پنهان می‏سازد و مظلوم در جستجوی‏ آن است.

دمکراسی.در یکی از کاریکاتورهای ناجی العلی، «حنظله»از روزنامه‏نگاری می‏پرسد: «مقاله‏ای که امروز دربارهء دمکراسی‏ نوشتی خیلی جالب بود.برای فردا چه می‏نویسی؟»

نویسنده که اوراقی در برابر اوست‏ با قلمی در دست،پاسخ می‏دهد: «وصیت‏نامه‏ام را می‏نویسم»

در این طرح؛بخوبی پیداست که‏ ناجی العلی واقعیتهایی چون ترور فکری،کشتار،عدم دمکراسی و مسایلی از این قبیل را در کشورهای‏ عربی،بوضوح و با صراحت در قالب کلمهء«وصیتنامه»بیان داشته‏ است.اما آیا این ویژگی اساس و بن‏ مایهء فعالیت هنری ناجی به شمار نمی‏آید؟در واقع،این امر بیانگر دغدغهء خاطر ترسناکی در زندگی‏ روزمرهء انسانی است که هر آن‏ می‏خواهد با«وصیتنامهء خود»از آن‏ رهایی یابد.

گویا ناجی العلی در این تصویر، پیشاپیش،از پایان غمبار زندگی‏ خود خبر می‏دهد.او در کاریکاتور دیگری دمکراسی را با خطی درشت‏ نوشته و بر روی یکی از حروف آن‏ برگهای خاردار کاکتوس را رسم کرده‏ است.در جای دیگر ترور ناجوانمردانهء اندیشمندان،به صورتی‏ روشن و ساده اما کوبنده تصویر شده‏ است.وی گوری را ترسیم کرده است‏ که بر روی آن نوشته شده: «می‏اندیشم پس هستم»؛این عبارت‏ که از واقعیتی دردناک حکایت‏ می‏کند،انسان را با نگرانی به تأمل وا می‏دارد.

آیا ناجی بر آن نیست که بگوید در جامعه‏ای که فکر و اندیشه بهایی‏ ندارد و سرنوشت و جایگاه‏ اندیشمندان سرانجام به قبر منتهی‏ می‏گردد؟و آیا نمی‏خواهد این سؤال‏ را مطرح کند که این چه شرایط مالیخولیایی است که نویسندگان و اندیشمندان در آن به سر می‏برند؟ گویی که آنان را در قبری محصور کرده‏اند،آری می‏اندیشم.

از مجموع چهل هزار کاریکاتور ناجی،از خود بر جای گذاشته‏ است بخش عمدهء آن،یعنی نزدیک‏ به 70%آنها از روشهای ضد اخلاقی‏ سیاستمداران عرب و تحرکات‏ سیاسی نادرست،مهلک و ذلت‏بار در جوامع غربی پرده برمی‏دارد.برای‏ مثال،در یکی از کاریکاتورهایش به‏ منظور بیان اختلافات میان دولتهای‏ عربی،دو رهبر واپسگرای عرب را در برابر هم قرار می‏دهد که یکی‏ می‏گوید:«3 2+2»و دیگری در اصلاح این نظریه می‏گوید:خیر «5 2+2»و به این وسیله وضعیت‏ سیاسی فضاحت‏بار و خطاهای‏ سیاسی فاحش سیاستمداران عرب را برملا می‏سازد.وضعیتی که در آن‏ سیاستمداران برای اصلاح خطای‏ دیگران خود به خطا می‏روند. روشنفکران.یکی دیگر از موضوعاتی که مضمون کارهای ناجی‏ است مشکل روشنفکران و نویسندگان است.وی می‏اندیشد که‏ زمان رهایی روشنفکران از احساس‏ پوچی در جامعهء مصرفی و بحرانی‏ امروز-که برداشتهای نادرستی را برای نویسنده در پی دارد-فرا رسیده‏ است.

به نظر ناجی مهمترین شکل‏ روشنفکران خودباختگی آنان است. روشنفکر و عموما نویسنده درباری‏ مستقر در کاخهای مرفه تنها دغدغه‏ مال‏اندوزی دارد و شناخت او از بانکها بیش از مراکز فرهنگی است و چنین موجودی بی‏ارزش است. ناجی العلی در یکی از کاریکاتورهایش به منظور انتقاد و تبیین مورد مذکور دو روشنفکر را در برابر یکدیگر قرار می‏دهد که یکی به‏ دیگری می‏گوید:«من در زندگیم‏ کتابی نخوانده‏ام و اصلا کتابی‏ نداشته‏ام.مرا به دستهء چک عادت‏ داده‏اند».از نظر ناجی روشنفکر \*به نظر ناجی العلی‏ زمان رهایی روشنفکران‏ از احساس پوچی در جامعهء مصرفی و بحرانی‏ امروز فرارسیده است.

نباید و نمی‏تواند مانند بازرگانان‏ باشد و در عین حال نباید شکست‏ خورده و احساس ناتوانی و ضعف‏ نماید.عقل سلیم همواره همهء خصوصیات انسانی را در روشنفکر می‏بیند و پیشرفت و دگرگونی در جامعه را مرهون روحیهء عالی او می‏داند.او به تواضع و فروتنی با تکبر روبرو می‏شود و مطالب و دیدگاههای نو ارائه می‏کند و ضمن‏ استمرار و دوام بخشیدن به آن مانع‏ نابودی آن می‏گردد.

ناجی در میدان مبارزه‏ای سخت و دردناک که بر اثر اختلافات و تناقضات موجود در«محیط فرهنگی»بسیار طاقت‏فرسا بود،مفهومی روشن و بی‏شائبه از روشنفکر بی‏غل و غش را که فساد را نمی‏پذیرد ارائه کرد،روشنفکر حق طلب و منصفی که از تزویر و ریا بدور باشد.مبارزهء ناجی العلی در جبههء فرهنگ،مبارزه‏ای ارزشمند بود، مبارزه‏ای به ارزش حقیقت.

آیا ناجی در مبارزهء فرهنگی‏ خویش،و در زمانی که آزادی بیان‏ از جامعه رخت بربسته بود،تنها بود؟به وی گفته شد«دستهایت را در اسید می‏گذارند تا در اسید حل‏ شود و نتوانی نقاشی کنی،آن وقت‏ چه می‏کنی؟»

او با جدیت پاسخ داد:«با انگشتان پاهایم نقاشی خواهم کرد!» ناجی در تابلوی دیگری برای نشان‏ دادن حالت قلع و قمع و عدم‏ دمکراسی باتیزهوشی تمام بر ابتکار جالبی در زمینهء استفاده از آینه‏ها دست زده است بدین صورت که‏ بیننده در برابر خود آینه‏ای شکسته را مشاهده می‏کند و طبعا تصویر خود را شکسته می‏بیند و در آینهء دیگر تصویر سالم از خود دارد که زیر آن‏ این عبارت نوشته شده:«مطلوب‏ حیا و میتا»یعنی«زنده یا مردهء این‏ شخص را می‏خواهیم».و سرانجام‏ آینهء سوم که نوار سیاه رنگی به‏ علامت مرگ و پایان زندگی در گوشه‏ای از آن دیده می‏شود.در واقع این آینه با ارائهء واقعیت بتدریج‏ بینندهء خود را با این مسأله که تحت‏ تعقیب است روبرو می‏کند و به او گوشزد می‏نماید که«تو در خطر هستی و تهدید می‏شود».مفهوم‏ کلی از مجموع آینه‏ها چنین است: آینهء نخست انسانی مضطرب و نگران،آینهء دوم زندگی در خطر و سرانجام آینهء سوم مرگ و پایان‏ زندگی.

از نظر ناجی العلی این فاجعهء غمبار و سرنوشت همهء جلوه‏های‏ انسانی است که در تهدید و تعقیب‏ هستند و در چنین شرایطی فرهنگ و اندیشه نیز که آینهء جامعه بشری‏ هستند محتوم به نابودی‏اند،زیرا مرگ بر همه سایه افکنده است.

آری او از فرهنگ و اندیشهء روشنفکر و اندیشمند متعهد و ملی‏ دفاع می‏کرد.بلکه او خود فریاد و الگوی چنین روشنفکری بود.

منبع:کتاب«مدهش الملهاة و مفجا المأساة»